



# صرفا به نیت بازدید

درنگی در باب الگوهای ۷ویژهبرنامه جام جهانی۲۰۲۶

**محمد عنبرسوزا** با پایان رقابت های جام جهانی فوتبال، ویژه برنامه های این رویداد نیز به کار خود پایان دادند. در قریب به چهل روزگذشته، دو برنامه تلویزیونی، دو برنامه در شبکه نمایش خانگی و سه برنامه هم در یلتقم های مستقل، توزیع متوازنی را ایجادکردند و هرکدام به نحوی مترصد بودند که در حاشیه جام جهانی فوتبال، بخشی از پازل تنوع پیش روی مخاطبان باشند. با این حال برآیند محصولات ویژه پرمخاطب ترین رویداد ورزشی دنیا، نشان می دهد که الگوهای اینستاگرامی و وایرال شدن در فضای مجازی، به اولویت اول برنامه سازی در ایران تبدیل شده است و هدف غایی این مسیر، دیده شدن بریده برنامه ها در اینستاگرام است.

- چالش مهمان

برنامه «جام ۲۶»، با اجرای محمد حسین میناقي، مهم ترین محصول رسانه ملی و برنامه رسمی و تراز تلویزیون برای این رویداد بود. برگ برنده «جام ۲۶» دقیقا از زمان بازگشت اعضای تیم ملی ایران به کشور رو شد، جایی که سرمربی تیم ملی و تعدادی از بازیکنان مهم، ترجیح دادند از درپچه شبکه سوم تلویزیون به گفت وگو با مردم بپردازند.

منهای این امر اما، «جام ۲۶»، در دعوت از مهمانان برجسته، چندان موفق نبود و نتوانست در پوشش مسابقات فوتبال خارجی، اتفاقی نوووویژه را رقم بزند. کارشناسان تکراری و قالب کلیشه ای برنامه سازی ورزشی در تلویزیون، دو ضعف جدی برنامه ای بودند که بیش از هر چیز، به واسطه اظهار نظرهایی خارج از متن و جنجالی محمد حسین میناقي در فضای مجازی دیده شد؛ کسی که به وضوح از تعدد ویژه برنامه های جام جهانی، اظهار نارضایتی کرد. اما یکی از مهم ترین دلایل ضعف «جام ۲۶»، به جای خالی محمدرضا احمدی، همراه همیشگی میناقي در اجرای برنامه هایی از این جنس، بازمی گشت؛ وزنه مهم برنامه سازی ورزشی و گزارشگر پخته ای که پس از گزارش بازی ایران و نیوزیلند، به شکل عجیبی از تلویزیون غیب شد.

- به بهانه جام

هم زمان با جام جهانی، سه برنامه «درجام»، «جیمی جام» و «بفرمایید جام»، تلاش می کردند با لحنی که تقریبا ربط معناداری با ورزش نداشت، صرفا به بهانه این رویداد فوتبالی، برای مردم سرگرمی ایجاد کنند. مهیار حسن که یک اینستاگرامر

شناخته شده است، با «درجام»، شکست سنگینی را متحمل شد و بار دیگر این فرضیه را تأیید کرد که میان کلیب ساختن در فضای مجازی و اجرای یک برنامه گفت وگومحور حرفه ای، تفاوت از زمین تا آسمان است.امیرحسین قیاسی، با برنامه «بفرمایید جام» که تقریبا هیچ تفاوتی با «پامپ» و «رباط صلیبی» و نداشت و مطلقا خلاقیتی هم در ساختارش به چشم نمی خورد، تمه بامزگی خود را، با دعوت از مهمانانی غالبا تکراری، خرج کرد و جرمزه پرانی های زودگذر که به درد اینستاگرام می خوردن، توفیقی به دست نیاورد.ابوطالب حسینی اما، با ساختاری تازه در «جیمی جام»، پای مهمانان متفاوتی را به فیلم نت باز کرد و با تزریق خلاقیت به فضایی که صرفا بهانه اش جام جهانی بود، توانست اولین تجربه خود در هدایت یک تاک شوی نمایش خانگی را با موفقیتی قابل توجه نسبت به سایر رقبا، تمام کند. با این حال «جیمی جام» هم، بیشتر از آنکه به عنوان یک محصول کامل استقبال مردم را جلب کند، به واسطه دست به دست شدن بریده هایش در فضای مجازی، دیده شد.

- دست بسته عادل

مطابق انتظار، مهم ترین ویژه برنامه جام جهانی را، عادل فردوسی پور ساخت، کسی که ید طولایی در برنامه سازی دارد و همکاری ساز با چهره هایی مثل رضا جاودانی و حسین ذکایی، بخشی از دوران طلایی تلویزیون در برنامه سازی ورزشی را رقم زده است. مجری گزارشگر محبوب وباسابقه ورزش ایران اما، به وضوح در این ایام از دوران اوجش دور بود و نتوانست اتفاق ویژه ای را در کارنامه خود ثبت کند.

تنوع آیتمیک «۲۰۲۶»، نسبت به کارهای قبلی فردوسی پور، بسیار کمتر بود و مهمانان این برنامه نیز، اعم از خارجی و داخلی، تنوع کمی داشتند، تاجایی که حتی کار به تکرار مهمان هم کشید. علاوه بر این، محدودیت یوتیوب برای بازپخش ویدئوی بازی ها، از بار فنی «۲۰۲۶» کم کرده بود و نداشتن خبرنگار اعزامی، نیز یکی از برگ برنده های همیشگی عادل را از او گرفته بود.

- بی مهری با نخبگان

قدرنادیده ترین ویژه برنامه جام جهانی را رسول مجیدی و حمیدمحمدی در شبکه ورزش اجرا کردند؛ محصولی بی هیاهو و به دور از حاشیه سازی که صرفا بر تحلیل فنی فوتبال و پوشش این رویداد متمرکز بود. «۲۰۲۶» کار خود را به نحو احسن انجام داد، اما کمتر از همه برنامه های زرد و پر حاشیه دیگر، دیده شد و کمتر مخاطبی برای گفت وگوهای وزین مهمانان با کلاس و جدی این برنامه، حوصله به خرج داد.

- مهمان ناخوانده

رسانه «ورزش ۳» که حالا دیگر یک مجموعه نسبتا باسابقه و شناخته شده محسوب می شود، امسال با یک ویژه برنامه مهم و دارای ظرفیت رقابت با محصولات تلویزیونی و پلتفرمی، معادلات را به نفع خودش تغییر داد و توانست با «برجام»، حسابی مورد توجه مردم قرار گیرد. جواد خیابانی که اخیرا از صداوسیما بازنشسته شده است، با همراهی خداداد عزیزی که چهره ای جنجالی و منتقد در ورزش ایران است، این برنامه را اجرا می کردند و خود

خادم آیین اختتامیه نهمین دوره کتاب سال سینمای ایران عصر در خانه سینما برگزار شد. به گفته رامتین شهپازی، دبیر جایزه، در این دوره، کتاب های منتشرشده در فاصله سال های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ از زیبایی شدند که درمجموع ۱۴۵ عنوان کتاب شامل ۳۹ اثر تألیفی و ۱۰۶ اثر ترجمه را ۲۸ ناشر بررسی و داوری کردند. جایزه بهترین کتاب فنی سینما به مرتضی دهنوی برای اثر «طراحی صدا برای فیلم»، نوشته تیم هریسون، اهدا شد. عباس بهارلو، نویسنده کتاب «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری»، از نشر قطره به عنوان برگزیده بخش بهترین تألیف، اعلام شد و جایزه بهترین ترجمه برای کتاب «روایت وروایتگری»، نوشته وارن باکلند، به نوید پورمحمدرضارسیب.
در ادامه، معرفی کوتاهی از آثار برگزیده این جایزه می آید.

| گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | روایت و روایتگری در سینما                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>سینمای مستقل در ایران، مسیر همواری را پیش رو نداشت‌ه است. کتاب «گزارش سانسور یک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» نوشته عباس بهارلو، سفری است در پشت پرده فیلمی که درخشش کوتاهش با سایه سنگین سانسور خاموش شد. کتاب، هم زمان فیلم جنوب شهر و زندگی خالقش، فرخ غفاری، را بازسازی می کند.</p> <p>عباس بهارلو در «گزارش سانسور یک فیلم» با پژوهشی گسترده و جزئی تگر، ردهای مردی را دنبال می کند که آرزو داشت سینمای ایران را از قالب های تقلیدی بیرون بکشند.</p> <p>کتاب با توصیف دقیق زندگی فرخ غفاری از آغاز می شود؛ سینماگری که از دل طبقه ای اشرافی برخاست، در اروپا پرورش یافت و با نگاهی روشن فکرانه و جهانی به زادگاهش بازگشت تا آنچه از سینما آموخته بود، در خدمت روایت زندگی واقعی مردم جنوب شهر بگذارد.</p> <p>در بخشی از نوشته پشت جلد آمده است: «این کتاب فقط درباره سانسور و توقیف فیلم «جنوب شهر» و حیات هنری کارگردان آن فرخ غفاری نیست، بلکه تصویری، ولوتند و گذران، از موقعیت و فضای یک دوره تاریخی هم هست.»</p> <p>نویسنده کتاب نیز در مقدمه نوشته است: « جنوب شهر در دوم آذر سال ۱۳۳۷ در تهران به نمایش درآمد، اما پنج روز بعد توقیف شد. غفاری اطمینان خاطر داشت و بعضی اهالی سینما نیز به تأسی از او اذعان داشتند که اگر «جنوب شهر»، در نمایش عمومی با اقبال مواجه شود، زمینه ای فراهم می آورد که دیگران نیز از راه رفته شان، ساختن همان مولودرام های کم بها و اغلب منحط «کمی» فاصله بگیرند و سینمای ایران جای واقعی خودش را پیدا کند؛ درواقع ترس اصلی، آنچه آن ها آشکار و پنهان به زبان می آوردند، عدم استقبال مردم و سانسور فیلم بود. اما « جنوب شهر» سانسور نشد، توقیف شد و با توقیف آن، همه چیز برای غفاری و همکارانش بر باد رفت.</p> <p>غفاری در آن روزها سخت درگیر و مستاصل بود، یک پایش در «ساواک» و پای دیگری در وزارت کشور و شهربانی بود تا از «جنوب شهر» رفع توقیف کند. غفاری و فیلمش در مظان اتهام های ناروا و واهی قرار گرفته بودند که من به تفصیل در کتابم شرح داده ام.»</p> <p>این اثر اثر نشر قطره، روانه بازار کرده است.</p> | <p>وارن باکلند در کتاب «روایت و روایتگری در سینما» می گوید موفقیت یا شکست فیلم ها به کارایی و اثربخشی داستان گویی آن ها وابسته است. او برای اثبات این نظریه، اجزای اصلی داستان گویی سینمایی را درمیان چندین شیوه مختلف فیلم سازی شناسایی می کند و توضیح می دهد که این اجزا چگونه، به تنهایی یا در ترکیب باهم، در شکل گیری نقشه کلی فیلم نقش ایفا می کنند. به باور او، موفقیت فیلم به این بستگی دارد که فیلم چگونه به یک ساختار روایی درست و دقیق شکل می دهد و چگونه این روایت را برای تماشاگران محدود و فاش می کند. فیلم هایی با ستارگان محبوب، کارگردانان مشهور و ارزش های تولیدی بالا هم اگر اجزای داستان گویی شان درست و دقیق طراحی نشده باشد، ممکن است شکست بخورند. به عبارتی اگر اجزای داستان گویی شان نتوانند نقشی مؤثر در نقشه کلی فیلم ایفا کنند.</p> <p>کتاب «روایت و روایتگری در سینما» از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول، با عنوان «مبانی»، با بحثی موجز درباره پیدایش روایت، روایتگری و عوامل روایی در سینمای آغازین شروع می شود و بعد، شرح می هد که دست کاری فضا و زمان سینمایی چگونه می تواند تماشاگران را شیفته و مسحور جهان داستانی فیلم کند.</p> <p>در این بخش، وارن باکلند ساختار روایی فیلم های هالیوود کلاسیک و معاصر را با راجع به نمونه هایی مثل آثار هیچکاک و مجموعه فیلم های جیمز باند واکاوی می کند. باکلند در بخش دوم کتاب هم مفاهیم معرفی شده در بخش نخست را بسط می دهد تا شیوه های معینی از سینمای روایی را بررسی کند.</p> <p>او در این بخش به سراغ چند روند مهم و غالب در چشم انداز سینمای معاصر می رود؛ مسئله روایت های فمینیستی و فیلم سازان زن؛ اهمیت پایداری سینمای هنری به عنوان نوع خاصی از فیلم؛ ظهور شیوه متمایزی از داستان گویی که متکی بر روایتگری غیرقابل اعتماد و پیچنگ های پازل وار است؛ و رشد گروهی کوچکی از فیلم ها که تحت تأثیر منطق بازی های ویدئویی هستند. این مطالعات موردی مشخص، نشان می دهند که چطور می توان هر شکلی از فیلم سازی را از منظر داستان گویی، شناسایی و تحلیل کرد.</p> <p>«روایت و روایتگری در سینما» را نوید پورمحمد رضا به فارسی برگردانده و نشر اطراف، آن را منتشر کرده است.</p> |

### نمایشخانه

«اتاق قرمز» در مشهد روی صحنه تئاتر رفت

**هوش مصنوعی در نقش بازیگر سوم**



الهام (اسماعیلی) نمایش «اتاق قرمز»، به کارگردانی مصطفی محمودی، هر شب ساعت ۱۸:۳۰ در تماشاخانه بهار مشهد روی صحنه مسی رود. در ایسن نمایش، محمد سادات در نقش «مارک روتکو» و علی نوروزیان در نقش هنرجوی جوان روی صحنه حضور دارند و تعامل این دو شخصیت، هسته اصلی روایت نمایش را شکل می دهد. به گزارش شهرآرانیوز، نمایش «اتاق قرمز، نخستین بخش از سه گانه ای است که مصطفی محمودی تولید آن را در دستورکار قرار داده است و اکنون نخستین قسمت آن با نام «اتاق قرمز» میزبان علاقه مندان تئاتر است. در این اثر، تکنولوژی و تصویر درکنار بازیگری، روایت متفاوتی را خلق کرده اند و هوش مصنوعی نقشی فراتر از یک ابزار اجرایی به عنوان یکی از شخصیت های نمایش ایفا می کند.

- «اتاق قرمز»: از یک کلاس دانشگاه تا تولد یک نمایش

مصطفی محمودی، کارگردان نمایش اتاق قرمز، درباره این اثر گفت: پیام اصلی نمایش این است که نباید دربرابر دشواری ها ناامید شد، حتی اگر با استادان سخت گیر، شکست های پیاپی یا شرایط دشوار روبه رو باشیم. بازمی می توان با خلاقیت و جسارت، سبک و راه تازه ای در هنر و زندگی پیدا کرد.محمودی درباره داستان نمایش توضیح داد: روایت درباره هنرجوی جوانی است که شکست های متعددی را پشت سر گذاشته است. او به واسطه یک عینک واقعیت مجازی به گذشته سفر می کند و با «مارک روتکو»، نقاش بزرگ معاصر، روبه رو می شود؛ هنرمندی که با وجود جایگاه برجسته اش، در زندگی شخصی و هنری با ناکامی های فراوانی مواجه بوده است. وی ادامه داد: این جوان با مشاهده شیوه زندگی و جهان بینی روتکو، نگاه تازه ای به هنر و زندگی پیدا می کند و همین تجربه، جسارت لازم را برای ساختن مسیری مستقل، دراختیارش قرار می دهد.

- روایت مدیاتئاتر با نقاشی های زنده

کارگردان اتاق قرمز با اشاره به ساختار اجرایی این اثر گفت: این نمایش با رقاب مدیاتئاتر اجرایی می شود و بخش مهمی از روایت از طریق ویدئوپروژکشن بازگو می شود. نقاشی های هنرمندان بزرگی همچون پیکاسو و دیگر آثار، مرتبط با فضای نمایش با استفاده از تکنیک های تصویری جان گرفته اند و شخصیت های نمایش در دل این تابلو ها زندگی و حرکت می کنند. وی درباره استفاده از هوش مصنوعی در نمایش توضیح داد: شخصیتی به نام «فیدنی» در این اثر حضور دارد که پردازنده و هدایت کننده شبیه سازی هاست. فیدنی، شخصیت اصلی را مرحله به مرحله راهنمایی می کند، تابلو ها را زنده می کند و مسیر داستان را پیش می برد. این شخصیت برپایه هوش مصنوعی، طراحی شده است، موشن و حرکت دارد و به همین دلیل، می توان گفت بازیگر سوم نمایش محسوب می شود.

### قفسه

معرفی نمایشنامه «سروان کوپنیک»، اثر کارل سو کمایر

### معجزه اونیفورم

را دمشان نمایشنامه «سروان کوپنیک» \* اثر کارل سوکمایر، یکی از مشهورترین کمدی های انتقادی ادبیات آلمان است که در سال ۱۹۳۱ منتشر شد. این اثر براساس یک ماجرای واقعی که در سال ۱۹۰۶ روی داده، نوشته شده است و به هجو بروکراسی و نظامیگری افراطی در عصر ویلهلمی آلمان می پردازد. داستان درباره ویلهلم فویگت، کفاش سابقه دار و فقیری است که پس از گذراندن دوران محکومیش می خواهد به زندگی عادی برگردد، اما به دلیل نداشتن کارت شناسایی و اجازه اقامت، در یک چرخه باطل اداری گیر می افتد، او برای داشتن شغل به مجوز اقامت نیاز دارد و برای گرفتن مجوز اقامت، باید شغل داشته باشد. این چرخه پوچ، هیچ راه قانونی برای کفاش پیر باقی نمی گذارد و او که خود را دربرابر قوانین ابلهانه و خشک و دیوان سالاری بی روح، بی دفاع می بیند، ناچار می شود مسیر دیگری را برای زندگی انتخاب کند. از آنجاکه طبقه نظامی در آلمان آن دوره، طبقه ای بسیار بانفوذ بودند، طبیعتاً این قدرت در «اونیفورم» بروز و ظهور پیدا می کرد. ویلهلم فویگت که به خوبی از تأثیر این لباس آگاه است، یک دست لباس دست دوم افسری می خرد و بعد از پوشیدن آن، تغییرات بزرگی در زندگی اش رخ می دهد. او اصلا آدم پیش از پوشیدن اونیفورم نیست، انگار صاحب قدرتی جادویی می شود، جامعه ای که تا پیش از این او را نادیده می گرفت، حالا توجه، بها و ارزش زیادی به او می دهد. کفاش پیر، صاحب احترامی بی چون و چرا می شود و صرفا به خاطر پوشیدن این لباس از هرگونه پرسش یا درخواست کارت شناسایی معاف می شود. او به این پسنده نمی کند و دسته ای سربار را نیز تحت کنترل و فرمان می گیرد و به شهرداری منطقه کوپنیک در برلین حمله می کند، شهردار را بازداشت و خزانه شهر را مصادره می کند. درحالی که هیچ کس، حتی افسران واقعی، جرئت نمی کنند به مشروعیت «اونیفورم» او شک کنند.

نکته جالب در نمایشنامه، این است که انگیزه اصلی فویکت از این اقدام متهورانه، نه سرقت پول و نه دستیابی به قدرت سیاسی، بلکه تنها تلاشی مستاصلانه برای دسترسی به دفاتر ثبت و مهر کردن پاسپورتش بود تا بتواند به صورت قانونی در کشور زندگی کند. کارل سوکمایر با نوشتن این نمایشنامه کمدی تراژیک، هشدار ی جدی درباره خطر نظامیگری و دادن قداست به نظامیان می دهد؛ هشدار ی که چند سال بعد و باروی کار آمدن حزب نازی و قدرت بی چون و چرای افسران نازی، معنای عمیق تری پیدا کرد.

| سروان کوپنیک                                |
|---------------------------------------------|
| <span></span> <div>نوشته کارل سوکمایر</div> |
| ترجمه <span> </span> بدا... آقاعباسی        |
| نشر <span> </span> قطره                     |
| <div>چاپ اول ۱۴۰۴</div>                     |
| ۱۸۶ صفحه                                    |
| ۲۸۵ هزار تومان                              |

*\*این نمایشنامه با نام «افسر برلینی» نیز ترجمه و منتشر شده است.*

# شهرک

